

پیشگفتار

اگر بتوان عملکرد آموزش و پرورش - یا در یک کلمه «تربیت» - را به اختصار، فرایند تغییر مطلوب رفتار آدمی تعریف کرد، دانش آموزش و پرورش یا به اصطلاح «علوم تربیتی» مجموعه متعارفی خواهد بود که از پژوهش و اندیشیدن درباره امور مربوط به این عملکرد یا فرایند فراهم شده است.

علوم تربیتی مانند بسیاری از علوم انسانی دیگر، از نظر کلی و فلسفی، تاریخی طولانی دارد، اما از این نظر که با روش مشاهده و آزمایش، توأم با تعقل به مطالعه منظم (سیستماتیک) می‌پردازد علم جوانی است و از زمان پدید آمدن و تنظیم و تدوین آن در جهان، حدود یک قرن^۱ می‌گذرد.

در کشور ما نیز این علوم از نظر مفهوم و مصداق با تأسیس نخستین نهاد تربیت معلم به سبک جدید یعنی «دارالمعلمین مرکزی» (۱۲۹۷ ه. ش) به کار رفته است و تا سال ۱۳۴۳، سال تأسیس دانشکده علوم تربیتی در دانشگاه تهران، در کنار رشته‌های فلسفه و جامعه‌شناسی تدریس می‌شده است. در واقع، ایجاد این رشته

۱. منظور از «حدود یک قرن» این است که در خصوص تاریخ ظهور و تکوین علم تربیت به طور دقیق تحقیق نشده است یا نویسنده آن را ندیده است. به علاوه حتی در مغرب‌زمین که زادگاه این علم است، تاریخ ظهور دانش آموزش و پرورش به معنی امروزی کلمه متفاوت است. در فرانسه، به عقیده میالاره (Mialarete) دانشمند تربیت‌شناس معاصر، در اواخر قرن نوزدهم، کلمه علم (به صورت مفرد یا جمع) در کنار تعبیر «تربیت» یا «Pedagogie» ظاهر شد و تنها در دهه‌های اخیر اصطلاح «علوم تربیتی» از جهت مفهوم و مصداق صریح و روشن شده است (میالاره، گاستون، معنی و حدود علوم تربیتی (۱۳۷۵)، ترجمه علیمحمد کاردان، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ص ۶ و ۷).

تخصصی با عنوان درجه دانشگاهی (لیسانس و فوق‌لیسانس) نیز در دهه چهل یعنی از سال ۱۳۴۳ به بعد صورت گرفته است. بنابراین از این لحاظ، کشور ما پیش از کشورهای پیشرفته مانند فرانسه به این علوم جنبه دانشگاهی داده است؛ چه در فرانسه به روایت گاستون میالاره تنها از سال ۱۹۶۷ (مطابق با ۱۳۴۶ شمسی) این علوم رسماً وارد دانشگاه‌های این کشور شده است (میالاره، ۱۳۷۵، ص ۴).

این علوم علاوه بر جوانی و ماجراهای تلخ و شیرین آن دارای ویژگی دیگری نیز هست و آن وابستگی به فرهنگ هر جامعه و پیروی از سیاستی است که در آنجا حکمفرماست. بنابراین، رشد آن وابسته به اهمیتی است که مردم هر جامعه برای تربیت و پیشرفت آن اهمیت قائل‌اند و نیز حمایتی است که سیاستمداران از علم به طور کلی و از علوم انسانی، به ویژه علوم تربیتی ابراز می‌دارند. در کشورهای پیشرفته صنعتی، نظر به اهمیتی که نیروی انسانی و پرورش آن در امور اقتصادی از جمله توسعه دارد و الزاماتی آموزشی که دگرگونیهای سریع علم و فناوری به وجود آورده است، به پژوهشهایی نظیر پژوهش در امر یادگیری و هوش و خلاقیت و بازآموزی توجه شده و نیز درباره برنامه‌های درسی و روشهای آموزش و مدیریت مراکز آموزشی و تربیت معلم و اموری مانند آن تحقیق شده است. دانش آموزش و پرورش در قرن بیستم در وهله اول در کشورهای انگلیسی‌زبان و پیش از همه و بیش از همه در ایالات متحده امریکا به نحو روزافزونی رشد کرده است؛ به طوری که این دانش در سالهای آغازین قرن بیستم حداکثر شامل دو یا سه رشته می‌شد که اینک به حدود ۲۰ رشته علمی رسیده است و در اغلب کشورها به ویژه در امریکا، دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری، اکثر این رشته‌ها در دانشگاهها دایر است.

در کشور ما نیز، پس از تأسیس دانشکده علوم تربیتی در دانشگاه تهران (۱۳۴۳) اکثر دانشگاههای بزرگ دیگر یکی پس از دیگری چنین دانشکده‌ای را تأسیس کردند. در این دانشگاهها برخلاف دانشگاه تهران، از همان آغاز، دانشکده علوم تربیتی گروه روان‌شناسی را نیز شامل می‌شد.

با وقوع انقلاب اسلامی و بر اثر بازنگری و بازسازی برنامه‌های درسی دانشگاهها در برنامه‌های درسی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم تربیتی

از لحاظ تعدد رشته‌ها و گرایشها، دگرگونی وسیعی صورت گرفت و نتیجه آن، تخصصی شدن این رشته و گرایشهای آن بود. اینک در دوره کارشناسی ارشد علوم تربیتی رشته‌های گوناگونی دایر است که کمابیش به وسیله استادان متخصص این رشته‌ها تدریس می‌شود. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) نیز عهده‌دار تهیه کتب درسی برای دوره‌های تحصیلی این رشته در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد است.

و اما تخصصی شدن این رشته و گرایشهای مربوط به آن هرچند محسناتی دارد، از جمله اینکه بر دقت و ژرف‌بینی در مسائل آموزش و پرورش می‌افزاید، مانند هر تخصص دیگر دارای این عیب است که صاحب آن تخصص را از جامع‌نگری محروم می‌سازد و گاه سبب می‌شود که متخصص در تبیین پدیده‌های مورد مطالعه که احیاناً متأثر از عوامل وابسته به تخصص دیگری است، بر اثر تنگ‌نگری دچار اشتباه شود. این عیب در گرایشهای تخصصی علوم انسانی بیش از علوم تجربی است؛ زیرا امور انسانی غالباً معلول عوامل متعدد و گوناگونی است و هر گاه متخصص یک رشته تنها به تخصص خود پردازد، همانند کسی خواهد بود که در جنگل انبوهی تنها یک درخت را می‌بیند و از وجود جنگل که درخت جزئی از آن و محاط در آن است غافل می‌ماند.

این تخصص‌گرایی موجب معایب دیگری نیز هست که فعلاً از بیان آن صرف‌نظر می‌کنیم. به دلایلی که گفته شد و برای اینکه علاقه‌مندان به علوم تربیتی به ویژه دانشجویان پیشرفته این علوم با قلمرو هر یک از رشته‌های این معارف و تحولات آن و نیز با روشهای تحقیق آن رشته‌ها در جهان و در ایران بیشتر آشنا شوند و صاحبان تخصص نیز از دستاوردهای رشته‌های نزدیک بی‌خبر نمانند، سازمان (سمت) بر آن شد تا با یاری گروهی از استادان - اعضای هیئت علمی دانشگاهها - رشته‌های تخصصی و اصلی علوم تربیتی، که در جهان مستقل شناخته شده است، مجموعه حاضر را فراهم و چاپ کند. در حال حاضر، از پرداختن به معرفی رشته‌های دیگری که امروزه در دوره‌های کارشناسی یا کارشناسی ارشد علوم تربیتی کشور تدریس می‌شوند، ولی مانند روشهای تدریس مواد گوناگون یا روشهای

آموزش و پرورش گونه‌های مختلف کودکان استثنایی که صورت فرعی دارند یا مانند رشته آموزش و پرورش اسلامی که به دلیل وسعت و تنوع دیدگاهش باید جداگانه تنظیم و تدوین شوند صرف نظر می‌کنیم.

در تدوین این مجموعه، ابتدا قرار بود برای حدود بیست رشته از رشته‌های مهم و مستقل علوم تربیتی، مقاله‌هایی ارائه شود، ولی سرانجام به دلایل مختلف فقط شانزده مقاله آماده انتشار شد. شیوه گردآوری مقاله‌ها و تدوین آنها در این مجموعه بدین ترتیب بود که نخست، گروه علوم تربیتی پس از مشورت با برخی از استادان این رشته، چهارچوب کلی مقالات و حدود کلی آن را تعیین و از هر نویسنده تقاضا کرد با رعایت این چهارچوب تا حد امکان در مقاله خود وضع کنونی پژوهش و آموزش را در رشته مورد نظر، با توجه به روشهای جدید پژوهش و دستاوردها و کاربردهای آن رشته و ارتباطش با رشته‌های دیگر، در جهان و در ایران به اختصار بیان کند. البته این کار، مانند کارهای گروهی دیگر در کشور برای رسیدن به مقصود آسان نبوده است: از جمله چهارچوب پیشنهادی در برخی از مقاله‌ها رعایت نشده یا محتوای مقاله‌ها پایین‌تر از حد مطلوب بوده است؛ با وجود این، مقاله‌ها مطالعه و با نویسندگان آن در برطرف شدن کاستیها و مطلوب‌تر شدن کیفیت آنها و نیز هماهنگی در سبک نگارش و اصطلاح علمی آنها مذاکره شد. بدون شک، مسئولیت صحت و سقم مطالب مقاله‌های ارائه شده به عهده نویسندگان آن است.

در پایان لازم است از همکاری نویسندگان مقاله‌های این مجموعه، به ویژه از استاد محترم دکتر علیمحمد کاردان که تهیه این مجموعه را به این سازمان پیشنهاد کردند و بر کلیه مراحل تهیه آن نظارت داشتند صمیمانه تشکر شود. همچنین از آقای محمد آرمند، دبیر گروه علوم تربیتی که با پشتکار به گردآوری این مجموعه کمک کرده‌اند و نیز از خانم زهرا گودرزی که در تشکیل جلسه‌های گروه هماهنگیهای لازم را معمول داشته‌اند سپاسگزاری می‌شود.

گروه علوم تربیتی

سازمان «سمت»